

جنگ‌های پیامبر ﷺ؛ برخوردهای نظامی رسول خدا ﷺ با دشمنان اسلام^۱

علی اکبر رضایی^۲

جنگ به معنای جدال، ستیزه و نبرد است (معین، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۵۴۱) که معادل آن در زبان عربی حرب (ضد صلح) (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۲۱۳؛ ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۳۰۲) و قتال (کشتن) است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۵۶؛ ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۱۱، ص ۵۴۷). واژه‌های سریه و غزوه نیز با این معنا ارتباط دارند. سریه سپاهی است که مخفیانه به محل استقرار دشمن نفوذ کند (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۷، ص ۲۸۸؛ صاحب‌بن‌عباد، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۳۷۱). غزوه نیز به معنای حرکت به قصد نبرد با دشمن (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۴، ص ۴۳۴؛ ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۱۵، ص ۱۲۳) یا یک بار جنگیدن (ابن سیده، ۲۰۰۰، ج ۶، ص ۳۹) است.

افزون بر این، دسته‌های مختلف سپاه از نظر تعداد و نفرات، اسامی گوناگونی به این شرح داشته است: يك تا پنج نفر: جَرِيدَة، پنج تا ده نفر: رَهْط، گروه‌های ده نفری: حَضِيرَة (ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۴، ص ۱۹۹)، گروه‌های سی تا چهل نفری: مِقْتَب و عَصَبَة و مَنَسَر (جوهری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۰۶)، گروه‌های چهارصد تا پانصد نفری: سَرِيه، بیش از آن تا هزار نفر: كَتِيْبَة، حدود هزار تا

۱. این مقاله در قالب طرح پژوهشی پژوهشکده دانشنامه‌نگاری پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی تدوین شده و کلیه حقوق آن متعلق به پژوهشکده دانشنامه‌نگاری است. انتشار این مقاله در چارچوب همکاری مشترک میان مجله قرآن پژوهی و پژوهشکده دانشنامه‌نگاری پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی صورت گرفته است.
۲. پژوهشگر علوم دینی حوزه علمیه قم.

چهارهزار نفر: جیش و جَحْفَل، چهارهزار تا دوازدههزار نفر: خمیس، مجموعه افراد سپاه: عسکر (حلبی، ۱۴۰۰، ج ۳، ص ۱۳۴؛ آیتی، بی تا، ۲۴۷-۲۴۸؛ هرثمی شعرانی، ۱۹۹۵، ص ۲۷).

مراد از جنگ‌های پیامبر ﷺ بر خوردهای نظامی ایشان با گروه‌های مختلفی همچون کفار و مشرکان، یهود و قبایل متجاوز است. به جنگ‌هایی که پیامبر ﷺ در آنها شرکت می‌کرد، غزوه (واقدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۷؛ ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۳) و به جنگ‌هایی که حضرت در آنها حضور نداشت، سریه می‌گویند (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۳؛ ر.ک: ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۱۴، ص ۳۸۳).

یکی از واژگان مرتبط با این موضوع، جهاد است که در فرهنگ دینی به معنای کوشش و مبارزه در راه خداست (ر.ک: علامه حلی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۱۲۷؛ نجفی، ۱۳۶۶، ج ۲۱، ص ۳). این واژه اول‌بار در آیه ۵۲ سوره فرقان «وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا» مطرح شد که به معنای جد و جهد و به‌کاربردن نهایت نیرو در دفع دشمن است (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۵، ص ۲۲۸). جهاد از اعمال عبادی است که قصد قربت لازم دارد (محقق حلی، ۱۴۱۰، ص ۵۹؛ حلی، ۱۴۱۱، ص ۸۳؛ فقعی، ۱۴۱۸، ص ۹۵).

بر پایه آیاتی از قرآن همچون آیه ۳۰ سوره مائده «فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الْخَاسِرِينَ» نخستین جنگ میان انسان‌ها به زمان آدم ﷺ و فرزندان او باز می‌گردد که طی آن قابیل، برادرش هابیل را کشت، و پس از آن؛ قتل و فساد در میان انسان‌ها و امت‌های گوناگون چنان فزونی گرفت که خداوند، پیامبرانی را برای جلوگیری از آن فرستاد (طوسی، بی تا، ج ۳، ص ۴۹۳).

انبیا نیز گرفتار جنگ با دشمنان بوده‌اند. قرآن از جنگ طالوت با جالوت (بقره: ۲۴۹) و کشته شدن جالوت به دست داوود ﷺ سخن گفته است (بقره: ۲۵۱). جنگ و مبارزه موسی ﷺ با فرعون نیز در قرآن آمده است (شعراء: ۵۲-۶۶).

قرآن به جنگ میان دولت‌ها و حکومت‌ها نیز اشاره کرده است. دولت‌های بزرگی همچون یونان باستان (هرودوت، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۴۵)، هخامنشی ایران (همان، ص ۱۴۹) و روم (ر.ک: کوروفکین، ۱۳۸۱، ص ۲۸-۳۰) از دیرباز برای تسلط و حکمرانی بر جهان، با یکدیگر در جنگ و ستیز بودند (ر.ک: کریستن سن، ۱۳۶۸، ص ۲۹۴) و این درگیری‌ها از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین جنگ‌ها شمرده می‌شود (ر.ک: پروکوپیوس، ۱۳۳۸، ص ۲۰).

فراوانی واژگان مربوط به جنگ و ابزارهای جنگی در منابع ادبی و تاریخی عرب نشان می‌دهد

که اعراب جزیره العرب بخش عمده‌ای از زندگی‌شان را صرف نبرد با دشمنان خود می‌کردند و برخی از این جنگ‌ها سال‌ها طول می‌کشید (ر.ک: مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۱۰۱؛ ابن اثیر جزری، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۵۰۲-۶۸۴). انتقام‌جویی و خونخواهی، از صفات کهن اعراب و قوانین قطعی صحرا به‌شمار می‌رفت. تصرف چراگاه‌ها و اسارت نیروهای دشمن برای بردگی نیز از انگیزه‌های مهم جنگ در میان اقوام عرب بود (ابن خلدون، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۲۷۱؛ جواد علی، بی‌تا، ج ۵، ص ۴۰۵؛ حسن، ۱۴۲۶، ص ۱۰۷). مورخان بیش از شصت جنگ عرب جاهلی را گزارش کرده‌اند که اغلب با بهانه‌هایی ناچیز درمی‌گرفت (ر.ک: ابن اثیر جزری، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۵۰۲-۶۸۴).

آیات فراوانی درباره جنگ‌های پیامبر ﷺ سخن گفته‌اند، هرچند به‌صراحت فقط از سه جنگ از آن جنگ‌ها یعنی بدر «وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ...» (آل عمران: ۱۲۳)، احزاب «وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ...» (احزاب: ۲۲) و حنین «لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ...» (توبه: ۲۵) در قرآن نام برده شده است. بسیاری از آیات نیز به ابعاد مختلف این جنگ‌ها پرداخته‌اند، از جمله: ماهیت و اهداف جنگ‌های پیامبر ﷺ (نساء: ۷۵-۷۷؛ ر.ک: طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۴۱۹-۴۲۱؛ حج: ۴۰-۳۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۱۳۸)، تدارک نیرو و اسلحه برای جلوگیری از جنگ (انفال: ۶۰)، ضرورت جنگ با مشرکان و جهاد دفاعی (بقره: ۱۹۰-۱۹۴، ۲۱۶؛ نساء: ۷۴، ۷۶؛ انفال: ۱۵-۱۶، ۳۹، ۶۵-۶۶؛ توبه: ۵، ۱۲، ۲۹، ۳۶، ۱۲۳؛ حج: ۳۹-۴۱)، شرکت‌کنندگان در جنگ‌ها (آل عمران: ۱۶۸؛ انفال: ۴۴، ۶۵؛ توبه: ۳۶)، ابزار جنگ (انفال: ۶۰؛ حدید: ۲۵)، اصول و روش‌های جنگی (آل عمران: ۱۱۸، ۱۲۲-۱۲۱، ۱۴۱-۱۳۹، ۱۵۱، ۱۶۰-۱۵۹؛ نساء: ۷۱، ۷۳، ۸۳، ۱۰۲، ۱۰۴؛ مائده: ۸؛ انفال: ۳۶؛ توبه: ۲۴؛ احزاب: ۲۶-۲۷، ۶۰-۶۱)، تقسیم غنائم (انفال: ۴۱؛ حشر: ۶-۷)، آثار و پیامدهای جنگ‌ها (آل عمران: ۱۶۶-۱۶۷؛ نصر: ۱-۲)، و صلح و عدم جنگ (انفال: ۶۱).

مفسران نیز ذیل آیات مرتبط، به جنگ‌های پیامبر ﷺ پرداخته‌اند (ر.ک: قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۲۲-۱۲۳؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۴۹؛ طوسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۷۸؛ طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۷).

افزون بر این، کتاب‌های سیره و تاریخ، جنگ‌های پیامبر ﷺ را به‌عنوان بخشی از سیره و تاریخ زندگی آن حضرت بررسی کرده‌اند (ر.ک: ابن اسحاق، ۱۴۱۰، ص ۳۰۲؛ ابن هشام، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۱۰۲۷-۱۰۲۸؛ ر.ک: ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۴؛ یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۵؛ طبری،

۱۳۸۷، ج ۲، ص ۴۲۱). همچنین از گذشته آثار مستقلى در این باره نگارش یافته است، مانند: «المغازى» از واقدى، «الدرر فى اختصارالمغازى والسير» از ابن عبدالبر، «الاكتفاء بما تضمنه من مغازي رسول الله ﷺ والثلاثة الخلفاء» از حميرى كلاعى و «انارة الدجى في مغازي خيرالورى ﷺ» از مشاط.

در دائرةالمعارف قرآن راتلج مقاله «جنگ و خشونت» موضوع جنگ در قرآن و آيات ناظر به جنگها را بررسى کرده است (See: Afsaruddin, 2006, pp686-692) و مقالههاى «جهاد» (See: Afsaruddin, 2006, pp331-332) و «قتال» (See: Afsaruddin, 2006, pp520) به صورت کوتاه اين واژهها را در قرآن كاويدهلند. در دائرةالمعارف قرآن لايدن نيز مقالههاى «جنگ» (See: Crone, 2006, pp455-459)، «جنگها و لشكرشىها» (See: Faizer, 2006, vol2, pp143-152)، «جهاد» (See: Landau-Tasserion, 2006, vol3, pp35-42) و «قتال» (See: Firestone, vol2, pp208-209) بيشتر به بررسى جنگ از منظر آيات پرداختهاند.

همچنين محققان معاصر آثار متعددى در اين زمينه تاليف کردهاند، از جمله: حروب دولة الرسول از سيد محمود قمنى، حركات العسكرية للرسول الاعظم از آل يحيى، فن الحرب فى عهد الرسول از محمد ظاهر وتر، مديريت نظامى در نبردهاى پيامبر از اصغر قانطان، اما اثر مستقل قرآنى در اين باره يافت نشد.

ماهيت و اهداف جنگهاى پيامبر ﷺ

رسول خدا ﷺ هدف بعثت خویش را تکميل اخلاق نيك خولند (ملک بن انس، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۹۰۴؛ بيهقى، ۱۴۱۶، ج ۱۰، ص ۱۹۲؛ طبرسى، ۱۳۹۲، ص ۸) و با تشويق مردم به كسب روزى حلال، انگيزه كسب درآمد از راه جنگ را كه در جاهليت رواج داشت، کاهش داد و روح انتقام جويى و جنگ طلبى عربها را تا حدى مهار كرد (هيشمى، ۱۴۰۸، ج ۱۰، ص ۲۹۱). بر اين اساس، آن حضرت مسلمانان را به تحمل آزار مشركان، و مدارا و دوستى و صلح با يكديگر، و ترك مخاصمه ترغيب مى كرد (بقره: ۱۰۹-۱۱۰؛ نساء: ۷۷؛ ر.ك: كلينى، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۰۷)، اما اين رفتار نمى توانست با دشمنان كينه توزى كه در پى ناپودى اسلام، اخراج مسلمانان مستضعف از ديار خود و تصاحب دارايى ايشان و حتى قتل پيامبر ﷺ بودند، ادامه يابند. بنا بر اين پس از هجرت به مدينه

(طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۱۳۸؛ طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۴، ص ۳۹۵) فرمان نبرد از جانب خداوند صادر شد و کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده بود، اجازه جهاد یافتند، زیرا مورد ستم قرار گرفته بودند «أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ يَأْتَهُمُ ظُلْمٌ مِّنَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ...» (حج: ۳۹-۴۰؛ نیز بقره: ۲۵۱؛ نساء: ۷۵؛ ر.ک: نسفی، بی تا، ج ۳، ص ۱۰۶؛ طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۶۰؛ ج ۱۴، ص ۳۸۴). مقصود از «بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا» و «أُخْرِجُوا» مسلمانانی بودند که مشرکان مکه بر آنان ستم می‌کردند و به ناچار از شهر خود خارج شدند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۷، ص ۱۲۲-۱۲۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۱۳۸). بر این اساس، نخستین حملات پیامبر ﷺ به کاروان‌های تجاری مشرکان که اغلب با حضور مهاجران صورت می‌گرفت، ناشی از ستمگری پیشین قریش در مکه بود (حج: ۳۹؛ ر.ک: سمرقندی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۴۶۲؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۷، ص ۲۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۱۳۸).

با این حال، مسلم است که پیامبر ﷺ بنا بر درگیری مداوم نداشت و جنگ آخرین وسیله دفاع و فقط به منظور حفظ دین از شر دشمنان بود (ر.ک: طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۴، ص ۳۸۴-۳۸۵) و توسل به زور حالتی اضطراری به شمار می‌رفت (صابری، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۳۱۳). قرآن کریم به مسلمانان دستور داد که در صورت تمایل دشمن به صلح، بر خدا توکل کنند و جنگ را ادامه ندهند «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (انفال: ۶۱؛ ر.ک: طوسی، بی تا، ج ۲، ص ۴۳؛ همو، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۵۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۴۴۰) و با تدارک نیرو و اسلحه، زمینه ترس دشمن را فراهم آورند و بدین شیوه از بروز جنگ پیشگیری کنند «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ...» (انفال: ۶۰). همچنین با نزول آیات «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدُّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ...» (بقره: ۲۱۷) و «إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ... يُجَلِّئُوهُ عَامًا وَيُحَرِّمُونَهُ عَامًا لِيُؤَاطُوا عِدَّةَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ...» (توبه: ۳۷)، سنت ابراهیمی حرمت جنگ در ماه‌های رجب، ذی‌قعدة، ذی‌حجه و محرم احیا و امضا شد (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۶۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۴۵؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۲۵۶، ۲۵۸).

هدف از حمله به کاروان‌های تجاری قریش، پیشگیری از نفوذ و شیخون مشرکان بود؛ از همین رو این حملات هرگز به جنگ نینجامید و تنها راه تجاری مکیان را ناامن کرد (ر.ک: واقدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۹-۱۹؛ بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۷۱). واکنش پیامبر ﷺ و مسلمانان در

جنگ‌هایی چون بدر، احد، احزاب، بنی‌نضیر، بنی‌قینقاع و بنی‌قریظه نیز تنها دفاع از خود و پاسخ به حملات دشمنان بود (ر.ک: واقدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۳؛ ابن‌سعد، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۳۷). نبرد آن حضرت با برخی قبایل اطراف مدینه هم که قصد توطئه داشتند یا سفیران و مبلغان مسلمان را کشته بودند، از همین سنخ ارزیابی می‌شود (بقره: ۱۹۰؛ ر.ک: ابن‌هشام، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۷۷۵؛ ج ۴، ص ۹۵۳؛ ذهبی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۳۰-۲۳۵).

ضرورت جنگ با مشرکان نیز که در پاره‌ای آیات «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَفْتُلُونَكُمْ...» و «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ...» (ر.ک: بقره: ۱۹۰-۱۹۴، ۲۱۶؛ نیز نساء: ۷۴، ۷۶؛ انفال: ۱۵-۱۶، ۳۹، ۶۵-۶۶؛ توبه: ۵، ۱۲، ۲۹، ۳۶، ۱۲۳؛ حج: ۳۹-۴۱) و روایات (ر.ک: شافعی، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۱۷۰؛ بخاری، ۱۴۰۱، ج ۸، ص ۵۰؛ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲) مطرح شده است، به جهاد و نبرد دفاعی تفسیر شده و ناظر به پیشوایان کفر و مشرکانی است که پیمان خویش را با پیامبر ﷺ شکستند و همواره آغازگر جنگ، فتنه، ظلم و تعدی بودند (طوسی، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۷۳؛ ج ۷، ص ۳۲۰-۳۲۱؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۲، ص ۶۸-۶۹؛ طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۱۶۰).

آیات مزبوره با آنکه دستور جنگ داده‌اند، به شدت توصیه کرده‌اند که در جنگ نیز تعدی نکنید «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَفْتُلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (بقره: ۱۹۰؛ طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۰۷) و این نکته نشان می‌دهد که این جنگ‌ها دفاعی بوده‌اند (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۶۱). همچنین بر پایه برخی آیات، جنگ با انگیزه دفاع از عقیده، وطن، نوامیس و اموال مسلمانان، حمایت از مستضعفان، دفع فساد و فتنه، اصلاح گمراهان و هدایت و کمال انسانی و رهایی از سلطه بیگانگان، ابزاری برای تحقق آرامش به شمار می‌آید (بقره: ۱۹۳، ۲۱۶؛ انفال: ۳۹-۴۰). در این آیات بعد از صدور دستور جنگ و مبارزه با دشمنان، بلافاصله به مسلمانان فرمان داده شده است که اگر دشمنان دست از مخالفت برداشتند، نباید به آنان تعدی کنند «فَإِنْ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ» (بقره: ۱۹۳؛ طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۶۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۴).

به گفته برخی، فقط در نه مورد از غزوات رسول خدا ﷺ جنگ درگرفت (ابن‌سعد، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۳؛ ابن‌سیدالناس، ۱۱۴۰۶، ج ۱، ص ۲۹۴؛ مقریزی، ۱۴۲۰، ج ۸، ص ۳۳۰). برخی نیز از ابن‌عقبه نقل کرده‌اند که دوازده غزوه پیامبر ﷺ بی آنکه خونی ریخته شود، به مصالحه یا متارکه انجامید (بیهقی،

۱۴۰۵، ج ۵، ص ۴۶۳؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۲۹۶؛ صالحی شامی، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۹).
 طبق آیات الهی، دعوت به اسلام و گسترش این دین آسمانی بر اساس حکمت، گفت‌وگو و اندرز نیکوست «أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ» (نحل: ۱۲۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۶۰۵؛ طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۲، ص ۳۷۱). پیام حقیقی اسلام هدایت، صلح، آرامش و نفی ظلم است؛ از این رو جهاد و دفاع تنها برای رفع موانع و ساختن زندگی شرافتمندانه است و هدف از جهاد مبارزه یا طغیانگری و برداشتن موانع از سر راه مردم حق طلب است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۶، ص ۴۳۳).
 جنگ‌های دوران مدینه و در عصر پیامبر ﷺ نیز برای دفاع از کیان دولت اسلامی (حج: ۳۹؛ طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۴، ص ۳۸۵-۳۸۶)، رفع فتنه (بقره: ۱۹۳) و ایستادگی در برابر نقض پیمان دشمن (توبه: ۱۲-۱۳) بود. بر این اساس، این مدعای برخی مستشرقان که جنگ‌گری پیامبر ﷺ در مکه ناشی از ضعف بنیة نظامی ایشان بود و پس از هجرت و کسب قدرت، او با شمشیر به اهداف خود رسید (ر.ک: بروکلیمان، ۶۸)، سخنی بیهوده و نادرست است که برخی معاندان نیز آن را مطرح کرده‌اند و بدان پاسخ داده شده است (ر.ک: قدردان قراملکی، ۱۳۹۰، ص ۳۱۹-۳۲۱).
 شاهد اینکه، پیامبر ﷺ پس از فتح مکه که قدرت لازم را در برابر مشرکان به دست آورد، همه آنها را عفو کرد، درحالی که می‌توانست با توسل به قدرت همه آنها را مجازات کند (← مقاله فتح مکه).
 این ادعا نیز که جنگ‌های این دوره تداوم سنت‌های جاهلی پیش از اسلام بوده است (Afsaruddin, 2006, PP688) با واقعیت‌های تاریخی و آیات قرآن نمی‌سازد، چنان‌که خود این نویسندگان با توجه به آیات قرآن اعتراف می‌کنند که این جنگ‌ها برای حمایت از خیر در برابر شر بوده است و بدون توجه به ارتباط میان این حوادث تاریخی و آیات قرآن نمی‌توان درک درستی از آنها داشت (See: Afsaruddin, 2006, PP686-687).

تعداد جنگ‌ها و جغرافیای آنها

قرآن از سه جنگ بدر (آل عمران: ۱۲۳)، احزاب (احزاب: ۲۰، ۲۲) و حنین (توبه: ۲۵) نام برده و از نه جنگ دیگر، بدون ذکر نام یاد کرده است که عبارت‌اند از: حمراء الاسد (آل عمران: ۱۷۲-۱۷۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۸۸۶)، بنی قریظه (احزاب: ۲۵-۲۷؛ قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۸۹)، بنی مصلوق (حج: ۱-۲؛ نسفی، بی تا، ج ۳، ص ۱۴۲؛ کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۶، ص ۱۲۲)، خیبر (فتح،

۲۰؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۱۳۳)، فتح مبین (فتح مکه یا خیبر) (فتح، ۲۴؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۶، ص ۵۶؛ طوسی، بی تا، ج ۹، ص ۳۳۱)، تبوک (توبه: ۱۱۷؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۱، ص ۴۰)، احد (آل عمران: ۱۶۶؛ مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۳۱۳)، ذات السلاسل (عادیات: ۱-۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۸۰۳) و بنی نضیر (حشر: ۱-۷؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۸، ص ۲۳-۲۴).

در غزوه یا سریه بودن برخی از جنگ‌ها و اینکه سفرهای حج و عمره پیامبر ﷺ جزو غزوات شمرده می‌شود یا نه، اختلاف نظر وجود دارد؛ از این رو درباره تعداد جنگ‌های حضرت اختلاف است. واقدی، قدیم‌ترین و معروف‌ترین متخصص موضوع جنگ‌های پیامبر ﷺ، شمار جنگ‌های ایشان (غزوه‌ها) را ۲۷ و شمار جنگ‌های مسلمانان (سریه‌ها) را ۴۷ مورد دانسته است، که مجموع آنها ۷۴ نبرد کوچک و بزرگ می‌شود (۱۴۰۹، ج ۱، ص ۷)، اما او هنگام شمارش جنگ‌های پیامبر ﷺ به ۷۸ غزوه و سریه اشاره می‌کند که مهم‌ترین آنها به ترتیب تاریخی عبارت‌اند از: غزوه بدر، غزوه بنی قینقاع، غزوه احد، غزوه بنی نضیر، غزوه خندق، غزوه بنی قریظه، غزوه حدیبیه، غزوه خیبر، سریه موته، غزوه فتح مکه، غزوه حنین، غزوه طائف، غزوه تبوک، و سریه امیر مؤمنان ﷺ به یمن (همان، ج ۱، ص ۱-۷؛ ر.ک: ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۲۸-۳). دشمنان و مخالفان پیامبر ﷺ در این جنگ‌ها عمدتاً مشرکان، یهودیان و رومیان بودند (ر.ک: واقدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۱-۷؛ ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۱۲۸).

جغرافیای همه جنگ‌های صدر اسلام چندان روشن و دقیق نیست، اما به طور کلی جز فتح مکه، حنین، طائف و تبوک، دیگر غزوات و سریه‌ها در مدینه (← مقاله مدینه) و اطراف آن رخ داد که جغرافیای جنگی نشان‌دهنده دفاعی بودن بیشتر این جنگ‌هاست. جنگ‌های احد، بدر و خیبر نیز به ترتیب در فاصله ۶، ۱۵۵ و ۱۶۵ کیلومتری مدینه رخ داده‌اند (جعفریان، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۴۷۲، ۵۰۴، ۶۰۱).

شرکت‌کنندگان در جنگ‌ها

فرماندهی غزوات را خود پیامبر ﷺ بر عهده داشت (طبری، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۸۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۸۶۵؛ سیوطی، ۲، ص ۸۸). افراد مختلفی از مسلمانان در جنگ‌ها شرکت می‌کردند که به طور طبیعی مقدار نقش آنها متفاوت بود. بر پایه آیاتی همچون آیه ۳۶ سوره توبه «قاتلوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ» که به همه مسلمانان واجد شرایط دستور می‌دهد در جنگ حضور داشته باشند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۵۱؛ طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۹،

ص ۲۷۰)، حضور در جنگ جز در صورت ضرورت، شرایطی داشت که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: بلوغ، قدرت (ر.ک: طبری، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۵۰۵)، اسلام (ر.ک: واقدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۱۵-۲۱۶)، سلامت جسمی و دارابودن مرکب و هزینه سفر (توبه: ۹۱-۹۲؛ ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۹۱). پیامبر ﷺ به بعضی افراد اجازه شرکت در جنگ نمی‌داد و آنان را به نیکی به پدر و مادر امر کرد (احمدبن حنبل، بی تا، ج ۲، ص ۱۶۴-۱۶۳؛ ابن ماجه قزوینی، بی تا، ج ۲، ص ۹۳۰).

مسلمانان نیز در جنگ‌ها حضور حداکثری داشتند (واقدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۷۹۹-۸۰۰؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۲، ص ۳۱۲). قرآن کریم در مواردی به مسئله کمیت و کیفیت رزمندگان اشاره کرده و گاه از توانمندی آنان در عین اندک بودن تعدادشان سخن گفته است «إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ» (انفال: ۶۵؛ نیز ۴۴؛ قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۸۰). البته در پاره‌ای جنگ‌ها مانند احد و حنین، شماری از ایشان از صحنه مبارزه می‌گریختند (آل‌عمران: ۱۵۵؛ ر.ک: طبری، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۸۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۸۶۵؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۸۸) و گاه منافقان نقش چشمگیری در تضعیف روحیه شکست مسلمانان داشتند (آل‌عمران: ۱۶۸؛ ر.ک: واقدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۲۵؛ طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۱۹؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۹۴).

با توجه به شرایط یادشده، غیرمسلمانان در سپاه اسلام حضور نمی‌یافتند و تنها اهل کتاب طی پیمانی که با رسول خدا ﷺ بسته بودند، می‌بایست بخشی از هزینه‌های جنگ را می‌پرداختند (ر.ک: ابن‌هشام، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۳۵۰؛ احمدی میانجی، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۳۵، ۳۷). از میان آنها تنها مخیریق که از علمای یهود بود، به قصد حمایت از پیامبر ﷺ در جنگ احد شرکت کرد و به شهادت رسید و پیامبر ﷺ او را بهترین یهود خواند (واقدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۶۲-۲۶۳؛ ابن‌هشام، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۳۶۲). ابن‌هشام (ج ۲، ص ۳۶۲) و دیگر منابع (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۲۸۵؛ همدانی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۴۹۵) از اسلام او سخن گفته‌اند و دلیل اینکه او را در حال اسلام بهترین یهود (نه یهودی) دانسته‌اند، انتسابش به یعقوب و نسل یهود است (سهیلی، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۴۰۸-۴۰۹).

در کنار مردان مجاهد، شماری از زنان نیز کار تشویق نیروها، پرستاری از مجروحان، انتقال شهدا و زخمی‌ها به پشت جبهه، تهیه غذا و دارو، آب‌رسانی به نیروها، رساندن سلاح به رزمندگان و تعمیر تجهیزات را بر عهده داشتند. برخی حضور زنانی چون حضرت فاطمه رضی الله عنها، نُسَیبه، ام‌عطیه، ام‌ایمن،

ام‌سلیم، ام‌کثیر، ربیع دختر معوذ، حمنه، معاذه، لیلا و ام‌سنان را در بسیاری غزوات و جنگ‌های پیامبر ﷺ گزارش کرده‌اند (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۴۹-۲۵۰، ۲۶۸؛ احمدبن حنبل، بی‌تا، ج ۵، ص ۲۷۱؛ ابن‌اثیر جزری، بی‌تا، ص ۴۵۱-۴۵۲، ۵۸۴). زنان فقط با اجازه پیامبر ﷺ در جنگ شرکت می‌کردند، ولی موردی را نمی‌توان یافت که وی زنان را از آمدن به جبهه نهی کرده یا از نیمه راه باز گردانده باشد (ابن‌اثیر جزری، بی‌تا، ج ۵، ص ۶۰۳؛ ابن‌حجر عسقلانی، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۸۸، ۳۰۸، ۳۶۱، ۴۱۰، ۴۳۷). افزون بر این، بنا بر پاره‌ای گزارش‌ها هنگام عزیمت پیامبر ﷺ به جنگ، گروهی از زنان نیز تقاضای حضور در جهاد داشتند (احمدبن حنبل، بی‌تا، ج ۵، ص ۲۷۱؛ مزی، ۱۴۰۶، ج ۶، ص ۵۰۵؛ ابن‌کثیر، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۲۳۳). برخی منابع نیز آورده‌اند که آن حضرت گاه زنان را برای درمان مجروحان به جنگ فرا می‌خواند، ولی سهمی از غنایم برای آنان در نظر نمی‌گرفت، گرچه مبلغی به ایشان می‌بخشید (ترمذی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۵۷؛ کلینی، ۱۳۶۳، ج ۵، ص ۴۵).

آمار دقیق مجموع جنگجویان مسلمان و شهدا، و نیز مشرکان و تلفات آنها روشن نیست. برخی محققان کوشیده‌اند، با استفاده از منابع تاریخی، برآوردهایی برای هر جنگ ارائه کنند (جعفریان، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۶۸۷)، چنان‌که کشته‌های دشمن را حدود ۱۳۰۶ نفر تخمین زده‌اند (ر.ک: نصیری، ۱۳۸۵، ص ۱۲۶-۱۲۷) که چندان درخور اعتماد نیست. آمار بیشترین شهید ۷۴ تن و مربوط به جنگ احد است (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۰۰؛ بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۲۸؛ ← مقاله احد). آیات متعددی درباره شهدا و مقام آنان نزد پروردگار نازل شد که نقش مهمی در تقویت روحیه شهادت‌طلبی و ایثار در مسلمانان داشت (ر.ک: آل‌عمران، ۱۶۹-۱۷۴؛ توبه: ۱۱۱).

ابزار جنگی

قرآن کریم طی آیاتی چند، بر استفاده از آهن در ابزار جنگی «وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ...» (حدید: ۲۵؛ طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۹، ص ۱۷۲) و تقویت نیروی رزمی مسلمانان برای بازدارندگی دشمن تأکید کرده است «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ...» (انفال: ۶۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۸۵۲). مسلمانان در عصر پیامبر ﷺ ابتدا به سبب فقر، ابزار جنگی کافی نداشتند، به طوری که در جنگ بدر در مقابل مشرکان قریش که دارای تجهیزات کامل بودند، مسلمانان تنها دو اسب، شش زره و هشت شمشیر داشتند (← مقاله بدر)، ولی بعدها با مدیریت رسول خدا ﷺ به تدریج توانستند به

سلاح‌ها و ابزارهای جنگی زمان خود دست یابند، چنان‌که به گزارش واقدی مسلمانان اغلب از سلاح‌های رایج زمان خود مانند شمشیر، کلاهخود، زره، سپر، نیزه و تیر و کمان استفاده می‌کردند. آنان همچنین برای فتح طائف، منجنيق، که وسیله‌ای برای پرتاب آتش بود، به همراه داشتند، ولی آن را به کار نگرفتند (۱۴۰۹، ج ۳، ص ۹۲۴). بنا به گزارش واقدی، مسلمانان در جنگ خیبر یک منجنيق و چند دباب غنیمت گرفتند (۱۴۰۹، ج ۲، ص ۶۶۴). دباب اتاقکی از پوست و چوب بود که آن را کنار دژ دشمن می‌بردند و نیروها در آن می‌نشستند و بی‌آنکه مورد اصابت تیر واقع شوند، دیوار قلعه را سوراخ می‌کردند (ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۳۷۱).

مدیریت و اصول جنگی

پیامبر ﷺ به‌عنوان فرماندهی هوشمند در جنگ‌ها از روش‌های مناسب جنگی بهره می‌برد؛ روش‌هایی همچون تصمیم‌گیری سریع و صحیح، شناخت روحیات و استعدادها، اعتماد متقابل و دوستی دوجانبه با نیروها، رازداری و مخفی‌داشتن مقصد نهایی (نساء: ۸۳؛ واقدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۷۹۶؛ ابن‌هشام، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۸۵۷). همچنین ایمان به خداوند و جنگاوری سپاهیان و صلابت در نبرد با دشمن (نساء: ۱۰۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۰۸-۱۰۹) از عوامل مهم پیروزی ایشان بود.

بنا بر تحقیق پژوهشگران معاصر (عاملی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۳۳۲، ۳۴۷؛ ر.ک: وتر، بی‌تا، ص ۶۱-۳۰۳) برخی از اصول جنگی پیامبر ﷺ عبارت بود از: شناسایی دقیق و کامل دشمن از طریق جمع‌آوری اطلاعات، اجتناب از جنگ هم‌زمان در چند جبهه، بهره‌گیری دقیق و مناسب از شیوه غافلگیری، جنگ روانی، پرهیز از اعتماد به دشمن، جلوگیری از افشای اسرار نظامی، مشورت‌خواهی و مشورت‌پذیری از مردم درباره تعیین محل جنگ، یاری‌نخواستن از دشمن، بخشش فراریان، آماده‌باش دائم و غفلت‌نکردن از دشمن و تأکید بر تعقیب دشمن (ر.ک: تقی‌زاده، ۱۳۸۵، ص ۱۳-۱۹؛ صادقی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۸-۱۳۶؛ حسنی، ۱۳۶۱، ص ۲۰-۲۶؛ ر.ک: ادامه مقاله). برخی آیات قرآن نیز به شیوه‌های مدیریت جنگی رسول خدا ﷺ اشاره کرده‌اند، مانند اقدام آن حضرت برای کسب خبر از موقعیت دشمن و انتخاب لشکرگاه در جنگ احد «وَإِذْ عَدُوَّتْ مِنْ أهلكَ تُبَوِّئُ الْمُؤْمِنِينَ مَقَاعِدَ لِلْقِتَالِ» (آل‌عمران: ۱۲۱؛ ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳،

ص ۶۸)، بخشش مسلمانانی که از جنگ احد فرار کرده بودند «فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» (آل عمران: ۱۵۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۱۴۱)، رعایت احتیاط در میدان جنگ حتی برای اقامه نماز (نساء: ۱۰۲)، رعایت اصل عدم غافلگیری در مواجهه با دشمن در جنگ حدیبیه (قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۵۰) و سست نشدن در تعقیب دشمن حتی در حال رنج و سختی «وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا تَأْلَمُونَ» (نساء: ۱۰۴) که در جنگ‌های بدر صغری یا احد و حمراء الاسد انجام شد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۱۵۹).

آیات متعددی که از ایجاد رعب در دل کافران، مرگ ایشان، اسارت آنان و تصرف سرزمین و اموالشان خبر داده‌اند (ر.ک: آل عمران: ۱۳۹-۱۴۱، انفال: ۳۶؛ احزاب: ۲۶-۲۷) و نیز وعده فتح شام، یمن، فارس و روم از جانب رسول خدا ﷺ (طبری، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۱۴۸؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۱۰۸)، نشان کاربرد جنگ روانی در تقویت روحیه مسلمانان و تضعیف روحیه دشمن است. همچنین بهره‌گیری از شگرد شایعه‌پراکنی و تفرقه‌افکنی در نیروهای دشمن از شیوه‌های جنگ روانی است که در نبردهای پیامبر ﷺ از آن استفاده می‌شد (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۱۹۲-۱۹۳؛ ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۶۹). البته دشمن نیز از این شگرد استفاده می‌کرد، و از این رو خداوند به منافقان و بیماردلان هشدار می‌دهد که اگر دست از شایعه‌پراکنی برندارند، پیامبر ﷺ را برمی‌انگیزاند تا آنها را از مدینه بیرون کند «لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا...» (ر.ک: احزاب: ۶۰-۶۲).

به نظر برخی مورخان، رسول خدا ﷺ در جنگ‌ها فقط نظاره‌گر نبرد اصحاب بود (صالحی شامی، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۹). بنا بر پاره‌ای منابع نیز پیامبر ﷺ در جنگ‌ها مدیریت می‌کرد و خود نمی‌جنگید (طوسی، ۱۴۱۴، ۳۲۳؛ شروانی، بی تا، ج ۹، ص ۲۱۱). در حالی که گزارش‌های بسیاری از درگیر شدن حضرت در جنگ‌ها خبر می‌دهند، چنان‌که گفته شده است رسول خدا ﷺ در جنگ احد (← مقاله احد) بر اثر شدت جراحات، نشسته نماز گزارد (مغربی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۲۷۹). از امیرمؤمنان، علی رضی الله عنه نیز نقل شده است که هرگاه کار جنگ بر ما سخت می‌شد، به پیامبر ﷺ پناه می‌بردیم و او نزدیک‌ترین فرد به دشمن بود (شریف رضی، ۱۴۱۲، حکمت ۲۶۰). در جنگ حنین (← مقاله حنین) نیز زمانی که مسلمانان با دادن تلفات بسیار از صحنه جنگ فرار می‌کردند،

پیامبر ﷺ در جای خود محکم ایستاده بود و مبارزه می‌کرد و با صدای بلند می‌فرمود: «انا النبی لا کذب، انا ابن عبدالمطلب» (مفید، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۴۳؛ طوسی، ۱۴۱۴، ص ۵۷۴؛ یوسفی غروی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۲۸۵). همچنین بنا به نقل عمران بن حصین، پیامبر ﷺ در برابر هر لشکری اول کسی بود که ضربه می‌زد (ابن سیدالناس، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۴۲۲؛ مقریزی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۲۰۹). با توجه به این گزارش‌ها حضرت در کنار جنگجویان بود و مدیریت جنگ را به عهده داشت، اما تا حد ممکن درگیری فیزیکی انجام نمی‌داد، یا سعی می‌کرد خود مهاجمان دشمن را نکشد.

رعایت عدالت در جنگ

رسول خدا ﷺ بر پایه رعایت حقوق انسانی، اخلاقی و الهی، برای جنگ با دشمنان خود مقرراتی وضع کرد و تا پایان عمر بدان‌ها پایبند بود، از جمله اینکه هیچ‌گاه جنگ را آغاز نمی‌کرد و از هتک حرمت اسیران و اجساد دشمن، کشتن سالخورده‌گان، زنان و کودکان، مسموم کردن آب و غذای دشمن، قطع درختان، کشتن حیوانات و خیانت پرهیز می‌کرد (ر.ک: متقی هندی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۳۹۰-۳۹۲؛ حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۵، ص ۵۸؛ نجفی، ۱۳۶۶، ج ۲۱، ص ۷۹-۸۲). رعایت عدالت در برخورد با دشمنان دستور خداوند است «كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا» (مانده: ۸). این آموزه در سیره پیامبر ﷺ به وضوح دیده می‌شود. در سریه‌ها نیز که خود حضرت حضور نداشت، پس از توصیه به تقوا و دعا و سفارش‌های لازم به سپاهیان (ابن عساکر، ۶۵، ص ۲۸۱؛ حلبی، ۱۴۰۰، ج ۳، ص ۱۳۵؛ محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۱، ص ۳۱)، برای آنان فرمانده تعیین می‌کرد و پرچم را به او می‌داد (ابن هشام، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۴۳۱؛ طبری، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۴۰۴-۴۰۵) و فرماندهان را به‌طور ویژه به تقوا توصیه می‌کرد (جعفریان، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۴۴۹).

روش و آرایش نظامی

پیامبر ﷺ همواره پیش از حرکت به سوی دشمن، سپاه خود را منظم و ارزیابی می‌کرد (ر.ک: طبری، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۵۰۵-۵۰۶؛ مقریزی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۸۱-۸۲). همچنین رعایت اصول جنگی را به صورت پیوسته و منظم به یارانش یادآور می‌شد (عاملی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۳۳۲، ۳۴۷). در این مرحله شعار رزم نیز تعیین می‌شد. رسول خدا ﷺ از شعارهای مختلفی در جنگ‌ها استفاده می‌کرد. در بدر و بنی مصطلق و خیبر شعار مسلمانان «یا منصور! أمّ، أمّ؛ ای

یاری شونده! بمیران، بمیران»، در احد، بنی نضیر و مُرْسِیع «أمت، أمت؛ بمیران، بمیران»، و در خندق و بنی قریظه «حم لا ینصرون...؛ حم یاری نمی شوند» بود (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۸، ۷۲؛ ابن هشام، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۵۸۸، ۷۱۰، ۷۶۱، ۷۹۶).

در جنگ احد نیز پیامبر ﷺ پس از بررسی موقعیت منطقه درگیری، سپاهیان خود را آرایش نظامی خاصی داد (← مقاله احد). در جنگ احزاب نُعیم بن مسعود از قبیله غطفان که پنهانی مسلمان شده بود، با همفکری و راهنمایی پیامبر ﷺ توانست میان مشرکان قریش و یهودیان بنی قریظه نفوذ کند و میان آنها اختلاف لندازد (← مقاله احزاب). در این جنگ که در شهر مدینه رخ داد، مسلمانان با بهره‌گیری از خندقی که سلمان فارسی حفر آن را پیشنهاد داده بود، از خود دفاع کردند (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۴۴۵؛ بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۴۳).

مسلمانان در جنگ‌های خیبر (ابن هشام، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۷۹۳؛ ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۸۱؛ صالحی شامی، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۱۱۹) و فتح مکه (ابن هشام، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۸۶۵؛ کتانی، بی تا، ج ۱، ص ۲۶۸) در آرایش نظامی خود، نظام خمیس (تقسیم لشکر به مقدمه، قلب، میمنه، میسر و ساقه) را به کار گرفتند. برای اطمینان از امنیت مسیر، افرادی شجاع و ماهر از سواره‌نظام به نام طلیعه، با حفظ فاصله مناسب پیشاپیش لشکر حرکت می‌کردند و اخبار و اطلاعات لازم را مخفیانه جمع‌آوری می‌کردند و به پیامبر ﷺ می‌رساندند (ابن عبدالبر، ۱۴۱۵، ص ۱۰۳).

تقسیم غنائم

تقسیم غنائم جنگی در دوره جاهلیت بر اساس حق یک چهارم برای رئیس قبیله و مساوات میان سواره‌نظام و پیاده‌نظام صورت می‌گرفت (محفوظ، ۱۹۹۵، ج ۳، ص ۱۱۳)، اما بر اساس آموزه‌های اسلام، اموالی که بدون درگیری نصیب سپاه اسلام می‌شد، مطابق قاعده «فیء» از آن رسول خدا ﷺ بود و حضرت در مصارف شخصی خود از آنها استفاده می‌کرد «و ما آفأء الله علی رسولیه مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ وَلَا كِنٍّ اللَّهُ يُسَلِّطُ رُسُلَهُ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ» (حشر: ۶؛ ر. ک: عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۴۷؛ بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۶۴۱). در نبردهای منجر به درگیری نیز خمس غنائم حاصل از درگیری متعلق به خدا، پیامبر ﷺ، امامان اهل بیت علیهم السلام، یتیمان، مسکینان و در راه ماندگان است «وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ وَ

الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينَ وَ ابْنِ السَّبِيلِ » (انفال: ۴۱). پس از جنگ بدر که نخستین نبرد و پیروزی بزرگ مسلمانان بود، با نزول سوره انفال (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۵۱۶)، معیارهای تقسیم غنایم مشخص شد. پیامبر ﷺ پس از هر جنگ غنایم را جمع‌آوری (ر.ک: واقدی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۹۲۳-۹۲۴؛ ابن‌سعد، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۱۶) و مأمورانی برای شمارش و تعیین استفاده‌کنندگان مشخص می‌کرد (ر.ک: ابن‌هشام، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۹۰۶؛ طبری، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۸۱). پیامبر ﷺ اسیران باسواد را به آموزش خواندن و نوشتن به مسلمانان وامی داشت (ابن‌سعد، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۶)؛ اسیرانی را که بضاعت مناسبی نداشتند، بدون پرداخت فدیة آزاد می‌کرد (ابن‌هشام، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۴۸۳-۴۸۴)؛ اسیران متمول را در برابر دریافت فدیة آزاد می‌ساخت (ابن‌هشام، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۴۷۵)؛ و عده‌ای را نیز در قبال آزادی اسیران مسلمان آزاد می‌کرد (ر.ک: ابن‌سعد، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۹۰).

آثار و پیامدها

از مهم‌ترین نتایج جنگ‌های پیامبر ﷺ با مشرکان و یهودیان، برداشته‌شدن موانع دعوت و هدایت مردم به اسلام بود. با وجود قریش و مخالفت‌های آنان، دیگر قبایل عرب نیز در پذیرش اسلام تردید داشتند و پذیرش اسلام را به پیروی و اطاعت قریش منوط می‌کردند (ابن‌سعد، ۱۴۱۰، ج ۶، ص ۱۱۸). پس از آنکه در این جنگ‌ها بسیاری از سران کفر مانند ابوجهل، عتبه‌بن‌ربیعہ و امیه‌بن‌خلف کشته شدند (ابن‌هشام، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۴۷۰)، ابوسفیان و برخی دیگر از سران مشرک به اسلام گرویدند و هیمنه شرک و بت‌پرستی و به‌ویژه مشرکان قریش در منطقه حجاز درهم‌شکست (ر.ک: ابن‌هشام، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۴۵۰، ۴۷۳). با توجه به اینکه اطاعت و تسلیم قریش راه را برای اطاعت همه قبایل عرب باز می‌کرد (ر.ک: صالحی شامی، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۲۰۸؛ حلبی، ۱۴۰۰، ج ۳، ص ۱۰)، فتح مکه گام مهمی در این زمینه به شمار می‌آمد (← مقاله فتح مکه)، چنان‌که وقتی خبر فتح مکه به قبایل عرب رسید، همه اقوام به اسلام روی آوردند (ابن‌سعد، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۵۴؛ مسعودی، التنبیه والاشراف، ۲۳۹) و دسته‌دسته از هر سو به اسلام پیوستند (ابن‌هشام، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۹۸۵). خداوند نیز ورود گروهی مردم به دین را پس از یاری خود و فرارسیدن فتح و پیروزی وعده می‌دهد (نصر: ۱-۲).

با توجه به آیات قرآن یکی از مهم‌ترین آثار این جنگ‌ها جداشدن صفوف مؤمنان از منافقان و افراد سست‌ایمان بود (آل‌عمران: ۱۶۶-۱۶۷؛ ر.ک: قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۲۲). همچنین در آیه ۱۷۹ سوره آل‌عمران خداوند جنگ و آزمون را عاملی برای جداکردن مؤمنان واقعی می‌داند «مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ» که زمینه آن در جنگ احد فراهم شد (طبری، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۱۲۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۸۹۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۱۸۷-۱۸۸). کسب غنائم، به‌ویژه در جنگ‌های بدر و حنین، یکی دیگر از آثار این جنگ‌ها بود که وضع اقتصادی مهاجران و دیگر مسلمانان را بهبود بخشید. توان رزمی آنان نیز که تا پیش از بدر به شدت ضعیف بود، پس از فتح خیبر و مکه و نبرد حنین ارتقا یافت. این شرایط، گرایش قبایل و مناطق اطراف به اسلام را افزایش داد. قرآن کریم در سوره نصر به این واقعه پرداخته است. ابن‌سعد (۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۲۲-۲۶۹) و یعقوبی (بی‌تا، ج ۲، ص ۷۹) سران بیش از هفتاد قبیله را نام برده‌اند که در سال نهم (عام‌الوفود) به ملاقات رسول خدا ﷺ آمدند و مسلمان شدند. همچنین اتحاد یهودیان مدینه یعنی بنی‌قینقاع، بنی‌نضیر و بنی‌قریظه و اطراف این شهر نظیر خیبر و فدک که تا آن روز میان اعراب ابهتی خاص داشتند (← مقاله قبایل یهود)، از میان رفت و بسیاری از آنان به اسلام روی آوردند.

منابع و مأخذ

۱. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن للعظیم، تحقیق: علی عطیة، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.
۲. آیتی، محمد ابراهیم، تاریخ پیامبر اسلام، تحقیق: ابوالقاسم گرگی، تهران: انتشارات دانشگاه، ۱۳۷۸ش.
۳. ابن اثیر جزری، علی بن محمد، اسد الغابة فی معرفة الصحابة، تهران: انتشارات اسماعیلیان، بی تا.
۴. _____، الكامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر، ۱۳۸۶ق.
۵. ابن اسحاق، محمد بن اسحاق، السیر والمغازی (سیرة ابن اسحاق)، تحقیق: سهیل زکار، قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۴۱۰ق.
۶. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر، تحقیق: عبدالرزاق مهدی، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۲۲ق.
۷. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الاصابة فی تمییز الصحابة، تحقیق: عادل احمد، علی محمد، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.
۸. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، تاریخ ابن خلدون، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۱ق.
۹. ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الکبری، تحقیق: محمد عبدالقادر، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۰ق.
۱۰. ابن سید الناس، محمد بن محمد، عیون الاثر فی فنون المغازی والشمال السیر، بیروت: مؤسسة عزالدین، ۱۴۰۶ق.
۱۱. ابن سیده، علی بن اسماعیل، المحکم والمحیط الاعظم، تحقیق: عبدالحمید هنداوای، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۲۰۰۰م.
۱۲. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله قرطبی، الدرر فی اختصار المغازی والسیر، قاهره، المجلس الاعلی للشؤون الاسلامیة، ۱۴۱۵ق.
۱۳. ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدینة دمشق، تحقیق: علی شیری، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ق.
۱۴. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقلیس للغة، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۱۵. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البداية والنهاية، تحقیق: علی شیری، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.
۱۶. ابن ماجه قزوینی، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقي، دارالفکر.
۱۷. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، قم: نشر ادب الحوزة، ۱۴۰۵ق.
۱۸. ابن هشام، عبدالملک، السیرة النبویة، تحقیق: محمد عبدالحمید، قاهره: مکتبة صبیح، ۱۳۸۳ق.

۱۹. احمد بن حنبل شیبانی، مسند احمد بن حنبل، بیروت: دار صادر.
۲۰. احمدی میانجی، علی، مکاتیب الرسول ﷺ، قم: انتشارات دارالحدیث، ۱۴۱۹ق.
۲۱. بحرانی، سیدهاشم حسینی، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.
۲۲. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۱ق.
۲۳. بروکلیمان، کارل، تاریخ الشعوب الاسلامیة، تحقیق: نبیه امین فارس، منیر بعلبکی، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۶۸م.
۲۴. بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، تحقیق: سهیل زکار، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۷ق.
۲۵. بیهقی، احمد بن حسین، دلائل النبوة و معرفة احوال صاحب الشریعة، تحقیق: عبدالمعطی قلجی، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۵ق.
۲۶. _____، السنن الکبری، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۶ق.
۲۷. پروکوپیوس، جنگ های ایران و روم، ترجمه: محمد سعیدی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۸ش.
۲۸. ترمذی، محمد بن عیسی، سنن الترمذی، تحقیق: عبدالوهاب عبداللطیف، عبدالرحمن محمد عثمان، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۳ق.
۲۹. تقی زاده اکبری، علی، روش فرملندھی پیامبر اعظم ﷺ، حصون (فصلنامه)، قم: پژوهشکده تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، ش ۹، ۱۳۸۵ش.
۳۰. ثعلبی، احمد بن ابراهیم، الكشف والبیان فی تفسیر القرآن (تفسیر ثعلبی)، تحقیق: ابن عاشور، ساعدی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
۳۱. جعفریان، رسول، تاریخ سیاسی اسلام (سیره رسول خدا ﷺ)، قم: انتشارات دلیل ما، ۱۳۸۳ش.
۳۲. جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب الجاهلی، الشریف الرضی.
۳۳. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغة وصحاح العربیة، تحقیق: احمد عبدالغفور عطار، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۴۰۷ق.
۳۴. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم: مؤسسة آل البيت ﷺ لاحیاء التراث، ۱۴۱۴ق.
۳۵. حسن، حسین حاج، حضارة العرب فی عصر الجاهلیة، بیروت: مؤسسة الجامعیة، ۱۴۲۶ق.
۳۶. حسینی، علی اکبر، تاکتیک های جنگی پیامبر ﷺ، درس هایی از مکتب اسلام (ماهنامه)، قم: مؤسسة مکتب اسلام، ش ۵، ۱۳۶۱ش.
۳۷. حلّی، علی بن برهان، السیرة الحلّیة، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۰۰ق.
۳۸. حلّی، محمد بن حسن، الرسالة الفخریة فی معرفة النبیة، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۴۱۱ق.

۳۹. ذهبی، محمد بن احمد، تاریخ الاسلام ووفیات المشاهیر والاعلام، تحقیق: عمر عبدالسلام تدمری، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
۴۰. زمخشری، محمود بن عمر، للكشاف عن حقائق غوامض التنزیل وعیون الأقاویل فی وجوه التأویل، تحقیق: محمد عبدالسلام شاهین، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۷ق.
۴۱. سمرقندی، نصر بن محمد، بحر العلوم (تفسیر سمرقندی)، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۶ق.
۴۲. سهیلی، عبدالرحمن بن عبدالله، الروض الانف فی شرح السیرة النبویة، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ق.
۴۳. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم: کتابخانه مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۴۴. شافعی، محمد بن ادريس، الأم، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۳ق.
۴۵. شروانی، عبدالحمید، عبادی، احمد بن قاسم، حواشی الشروانی علی تحفة المحتاج، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۴۶. شریف رضی، نهج البلاغه، تحقیق وشرح: محمد عبده، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۱۲ق.
۴۷. صابری، حسین، خاتم پیامبران ﷺ، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۸۰ش.
۴۸. صاحب بن عباد، اسماعیل، المحيط فی اللغة، تحقیق: آل یاسین، بیروت: عالم الکتب، ۱۴۱۴ق.
۴۹. صادقی، مصطفی، اصول حقوق جنگ در سیرة نبوی، حصون (فصلنامه)، قم: پژوهشکده تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، ش ۲۱، ۱۳۸۸ش.
۵۰. صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی والرشاد فی سیرة خیر العباد، تحقیق: عادل احمد عبدال موجود، علی محمد معوض، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۴ق.
۵۱. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: نشر اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۵۲. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، الشریف الرضی، ۱۳۹۲ق.
۵۳. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، انتشارات دانشگاه، ۱۳۷۷ش.
۵۴. _____، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۵۵. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم والملوک، بیروت: دارالتراث، ۱۳۸۷ق.
۵۶. _____، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۱۲ق.
۵۷. طوسی، محمد بن حسن، الامالی، تحقیق: مؤسسة البعثة، قم: دارالتقافة، ۱۴۱۴ق.
۵۸. _____، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: احمد حبيب قصیر عاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.

۵۹. _____، الرسائل العشر، قم: نشر اسلامي، ۱۴۱۴ق.
۶۰. _____، المبسوط في فقه الامامية، تحقيق: سيد محمد تقى كشفى، محمد باقر بهبودي، المكتبة المرتضوية، ۱۳۸۷ق.
۶۱. عاملي، سيد جعفر مرتضى، الصحيح من سيرة النبي الاعظم ﷺ، بيروت: دار الهادي، ۱۴۱۵ق.
۶۲. علامه حلي، حسن بن يوسف، تحرير الاحكام الشرعية، تحقيق: ابراهيم بهادري، قم: مؤسسة امام صادق عليه السلام، ۱۴۲۰ق.
۶۳. عياشي، محمد بن مسعود، كتاب التفسير، تحقيق: رسولي محلاتي، تهران: چاپخانه علميه، ۱۳۸۰ق.
۶۴. فراهيدي، خليل بن احمد، العين، تحقيق: مهدي مخزومي، قم: مؤسسة دار الهجرة، ۱۴۱۰ق.
۶۵. فقحاني، علي بن علي، الدر المنصود في معرفة صيغ النيات والايقاعات والعقود، تحقيق: محمد برکت، قم: مكتبة العلمية امام العصر، ۱۴۱۸ق.
۶۶. قدردان قراملكي، محمد حسن، دربارہ پیامبر اعظم ﷺ، تهران: فرهنگ و انديشه اسلامي، ۱۳۹۰ش.
۶۷. قرطبي، محمد بن احمد، الجامع لاحكام القرآن (تفسير قرطبي)، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۴ش.
۶۸. قمي، علي بن ابراهيم، تفسير القمي، تحقيق: سيد طيب موسوي جزائري، قم: دار الكتاب، ۱۴۰۴ق.
۶۹. كاشاني، فتح الله بن شكر الله، تفسير منهج الصادقين في الزام المخالفين، تهران: كتاب فروشي علمي، ۱۳۳۶ش.
۷۰. كتاني، سيد محمد عبدالحی، نظام الحكومة النبوية (التراتب الادارية)، تحقيق: عبد الله خالدي، بيروت: دار الارقم بن ابي الارقم، بی تا.
۷۱. كريستن سن، آرتور، ايران در زمان ساسانيان، ترجمه: رشيد ياسمي، تهران: دنياي كتاب، ۱۳۶۸ش.
۷۲. كليني، محمد بن يعقوب، الكافي، تحقيق: علي اكبر غفاري، تهران: دار الكتب الاسلامية، ۱۳۶۳ش.
۷۳. كوروفكين فنودور، تاريخ روم باستان، ترجمه: غلامحسين متين، تهران: انتشارات محور، ۱۳۸۱ش.
۷۴. مالك بن انس، الموطأ، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، بيروت: دار احياء التراث العربي، ۱۴۰۶ق.
۷۵. متقي هندي، علي، كنز العمال في سنن الاقوال والافعال، تحقيق: بكرى حياني، صفوة السقا، بيروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۹ق.
۷۶. محدث نوري، ميرزا حسين، مستدرک الوسائل، بيروت: مؤسسة آل البيت لاحياء التراث، ۱۴۰۸ق.
۷۷. محفوظ، لواء جمال، فن الحرب عند العرب في الجاهلية والاسلام، بيروت: المؤسسة العربية، ۱۹۹۵م.
۷۸. محقق حلي، جعفر بن حسن، المختصر النافع في فقه الامامية، تهران: مؤسسة البعثة، ۱۴۱۰ق.
۷۹. مزي، جمال الدين يوسف، تهذيب الكمال في اسماء الرجال، بيروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۶ق.

۸۰. مسعودی، علی بن حسین، التنبيه والاشراف، تحقیق: عبدالله اسماعیل صاوی، قاهره، دارالصاوی.
۸۱. _____، مروج الذهب ومعادن الجوهر، تحقیق: اسعد داغر، قم: دارالهجرة، ۱۴۰۹ق.
۸۲. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۶ش.
۸۳. مغربی، قاضی نعمان بن محمد تمیمی، شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار، تحقیق: سید محمد حسینی جلالی، قم: نشر اسلامی، ۱۴۱۴ق.
۸۴. مفید، محمد بن محمد، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، بیروت: دارالمفید، ۱۴۱۴ق.
۸۵. مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۳ق.
۸۶. مقریزی، احمد بن علی، امتاع الاسماع بما للنبی من الاحوال والاموال والحفدة والمتاع، تحقیق: محمد عبدالحمید نمیسی، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۰ق.
۸۷. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۷۴ش.
۸۸. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، تحقیق: عباس قوچانی، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۶ش.
۸۹. نسفی، عبدالله بن احمد، مدارک التنزیل وحقائق التأویل (تفسیر نسفی)، دارالفکر.
۹۰. نصیری، محمد، تاریخ تحلیلی صدر اسلام، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۸۵ش.
۹۱. واقدی، محمد بن عمر، المغازی، تحقیق: مارسدن جونس، بیروت: مؤسسة الاعلمی، ۱۴۰۹ق.
۹۲. وتر، محمد ضاهر، فن الحرب فی عهد الرسول، الادارة العسکرية فی حروب الرسول محمد، دمشق: دارالفکر، بی تا.
۹۳. هرثمی شعرانی، ابوسعید، مختصر فی سیاسة الحروب، تحقیق: عارف احمد عبدالغنی، دمشق، دار کنان، ۱۹۹۵م.
۹۴. هرودوت، تاریخ، تهران: انتشارات دانشگاه، ۱۳۷۸ش.
۹۵. همدانی، اسحاق بن محمد، سیرت رسول الله، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۷۷ش.
۹۶. هیشمی، علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد ومنیع الفوائد، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۸ق.
۹۷. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، بیروت: دار صادر، بی تا.
۹۸. یوسفی غروی، محمد هادی، موسوعة التاريخ الاسلامی، قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۱۷ق.
99. Afsaruddin, Asma, "Jihad", The Qur'an: An Encyclopedia, Ed. Oliver Leaman, New York: Routledge, 2006.
100. Id., "Qital", The Qur'an: An Encyclopedia, New York: Routledge, 2006.

101. Id., "War and Violence", The Qur'an: An Encyclopedia, Ed. Oliver Leaman, New York: Routledge, 2006.
102. Crone, Patricia, "War", Encyclopaedia of the Qur'ān, Ed. Jane Dammen McAuliffe, 5 Vols., Leiden: Brill, 2001-2006.
103. Faizer, Rizwi, "Expeditions and Battles", Encyclopaedia of the Qur'ān, Ed. Jane Dammen McAuliffe, 5 Vols., Leiden: Brill, 2001-2006.
104. Firestone, Reuven, "Fighting", Encyclopaedia of the Qur'ān, Ed. Jane Dammen McAuliffe, 5 Vols., Leiden: Brill, 2001-2006.
105. Landau-Tasseron, Ella, "Jihād", Encyclopaedia of the Qur'ān, Ed. Jane Dammen McAuliffe, 5 Vols., Leiden: Brill, 2001-2006.